خراسان بزرگ:سال دوم،شماره(۲)، بهــار ۱۳۹۰
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.2, No. 2, Spring 2010

جایگاه خــراسان بزرگ در ژئــوپولیتیک آب

عزت الله عــزتی[۱]، محمد حسن خضــری[۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۱
تاریخ پذیرش مقال ۱۳۹۰/۳/۸

چکیــده

خراسان بزرگ ایران به عنوان یک منطقه استرانژیک از گذشته، تأثیر ژرفی بـر تـاریخ و تمـدن جهان داشته است. این منطقه با شماری از پدیده های محیطی مشترک کـه همنـواختی هـایی را در این منطقه سبب می شود، ساختار جغرافیایی– سیاسی ویژه‌ای را نمایـان مـی سـازد کـه شایسـته‌ی اطـلاق واژه‌ی جغرافیـای منطقـه اسـت. از سـوی دیگـر، اهمیـت ژئواسـتراتژیک، ژئواکونومیـک، ژئوپولیتیک و ژئوکالچر کشورهای واقع در خراسان بـزرگ در قـرن ۲۱ بـر کسـی پوشـیده نیسـت و مدعیان کسب قدرت جهانی و منطقه‌ای همواره نگاه ویژه‌ای به آن داشته اند. یکی از مسـائل مـورد توجه در این منطقه مسئله‌ی آب است که به عنوان یک عنصر غیر قابل جایگزین اهمیت فوق‌العـاده ای در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه داشته است. در این منطقه‌ی پنج کشـور اسـلامی شـامل افغانستان، ایران، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان قرار دارند که دارای گذشته‌ی تاریخی، ویژگی-های جغرافیایی، مشترکات فرهنگی، مذهبی و زبانی، منابع مشترک و از همه مهم‌تر منابع غنـی آب می باشند که بستر مناسبی را برای همکاری و همگرایی بیشتر منطقه ای ایجاب می کند. این مقاله به تجزیه و تحلیل نقش ژئوپولیتیک آب به عنوان یک مقولـه‌ی اسـتراتژیک در منطقـه‌ی بـزرگ و تاریخی خراسان می‌پردازد و بر این باور است که همگرایی در میان کشور های خراسـان بـزرگ بـر اساس عامل مهم ژئوپولیتیکی آب، یکی از بهترین راه‌های ایجاد اتحاد منطقـه ای بـا توانـایی هـای بالقوه است.

کلیــدواژه ها

ژئوپولیتیک، همگرایی، خراسان بزرگ، ایران، امنیت

[۱] مدیر گروه جغرافیا و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران
[۲] دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران

مقدمـه

از نظر تاریخی، سرزمین‌هایی را که در آن کشورهای ایران، افغانستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان واقع‌اند، خراسان بزرگ می‌خوانند و همه‌جا به طور رسمی یا غیررسـمی مـردم ایـن کشورها را برادران خونی عنوان می‌کنند. این پنج کشور تاریخ، زبان، ادبیـات و فرهنـگ مشـترک دارند و اسلام نیز در پیوند مردمان این منطقه با یکدیگر نقش اساسی دارد. ایران از زبان مشترک با تاجیکستان و بیشتر مردم افغانستان برخوردار است. شـهرهای آسـیای مرکـزی هماننـد بخـارا، سمرقند، بلخ، مرو، خیوه و خوارزم به عنوان مراکز هنرها و علوم ایرانی، مقـام والایـی در ادبیـات فارسی دارند.

برخی عوامل مشترک و متضاد فرهنگی و غیر فرهنگی ایران با تاجیکستان و افغانستان[۱]

ردیف	متغیر	افغانستان	تاجیکستان
۱	دین	۱۰۰	۱۰۰
۲	مذهب	۲۵	–
۳	رسوم مذهبی	۲۵	۵۰
٤	زبان	۵۰	۸۵
٥	روابط فرهنگی	۹۰	۲۵
٦	برخوردهای نظامی	-۲۰	–
۷	منافع مشترک	+۶۰	۵۰
۸	اختلافات مرزی	-۲۰	–
۹	روابط سیاسی	۵۰	۵۰
	جمع	۳۶۰	۳۶۰

با فروپاشی شـوروی و اسـتقلال یـافتن کشـورهای آسـیای مرکـزی، ایـن‌کشـورها هرچنـد از لحـاظ سـاختار اقتصـادی – سیاسـی و ارتباطـات بـه روسـیه و منـاطق شـمالی متصـل انـد، اما از لحاظ فرهنگـی، دینـی، تـاریخی و جغرافیـایی ادامـه‌ی طبیعـی بخـش‌هـای جنـوبی خـود به حساب می آیند که طی سالیان متمـادی بـه دلیـل نفـوذ شـوروی سـابق، ارتبـاط خـود را بـا منطقـه‌ی خراسـان بـزرگ در ایـران و منطقـه‌ی خاورمیانـه از دسـت داده بودنـد. در ایـن

[۱] محمدحسین پاپلی یزدی و فاطمه وثوقی، خراسان، ژئوپلتیک و توسعه ، ۱۳۸۲، ص ۱۶.

تحول، نقش ایران به عنوان محور ارتباط حوزه‌ی جدید با حوزه‌ی قدیم خاورمیانه از اهمیت خاصی برخوردار شده است.[۱]



منبع[۲]

اهمیت ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوپولیتیک و ژئوکالچر کشورهای واقع در خراسان بزرگ در قرن ۲۱ بر کسی پوشیده نیست و مدعیان کسب قدرت جهانی و منطقه ای همواره نگاه ویژه‌ای به آن داشته اند. یکی از مسائل مورد توجه در این منطقه مسئله آب است که به عنوان یک عنصر غیر قابل جایگزین اهمیت فوق‌العاده ای در معادلات سیاسی و اقتصادی داشته است. در میان کشورهای خراسان بزرگ، تاجیکستان و افغانستان بیشترین منابع آبی منطقه را در اختیار دارند. این در حالی است که بسیاری از آب‌های جاری‌در این کشورها به علت نبود فناوری و یا عدم توسعه و سرمایه‌گذاری به هدر می رود . در مقابل، کشورهای ازبکستان ترکمنستان و ایران‌دچار خسکسالی و کم‌آبی اند.[۳] توسعه‌ی همکاری بین کشورهای خراسان یک ضرورت انکارناپذیر برای صلح و همکاری‌های سازنده‌ی منطقه‌ای است و این کشورها محور صلح،

---

[۱] محمدرضا حافظنیا و دیگران، «علایق ژئوپولیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش‌رو» ، فصلنامه ژئوپولیتیک، س۳، (۱۳۸۶) ، ص ۸۲.

[۲] حسن اللهوردیان طوسی، سفر به خراسان، مؤسسه چاپاک، ۱۳۷۱، ص ۱۱.

[3] "Envirnment Millenium Development Goal in europe and central asia", WB ,2003,p.24.

دوستی و برادری در منطقه اند .قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در این پنج کشور نیز گـواه وجـود بسترهای بسیار برای همکاری و تعامل است[۱]. ساخت سد دوستی بر روی رودخانه هریرود توسط ایران و ترکمنستان یکی از بهترین و مهم‌ترین رویکرد اتحاد میان دو کشور برای برطرف کـردن مشکل کم‌آبی است.

الف) مبـاحث نظـری

۱- مفهـوم ژئـوپولیتیک آب

کمبود آب و منافع مشترک دولت ها بر سر آب های بـین‌المللـی سـبب شـده تـا آب عـاملی تعیین‌کننده در سیاست بین‌المللی و روابط دولت ها با یکدیگر باشد و روابط اجتماعات بشری نظیر سکونتگاه‌های شهری و روستایی درون کشورها را نیز تحـت الشـعاع قـرار دهـد. امـروزه،آب بـه صورت یک ماده‌ی رقابتی و مطلوب و درعین‌حال نگران‌کننده‌ی زندگی انسان‌هـا وارد عرصـه‌ی مناسبات و مناقشات دولت ها شده است.[۲]

بنابراین، آب همانند نفت به طور روزافزونی به عنوان عامل درگیـری و بـی‌ثبـاتی در صـحنه بین‌الملل در حال ظهور است؛ به گونه‌ای که از سال ۱۹۴۸م نزدیک به ۴۰ درگیری بر سر منـابع آب رخ داده که بیشتر آن‌ها در خاورمیانه بوده است. در خاورمیانه‌ی حوضه‌ی رود اردن و حوضه‌ی رودهای دجله و فرات مستعدترین مناطق برای درگیری به شمار می روند.

پس با توجه به اهمیت منابع آب در سرنوشت انسان‌ها و جوامع بشری است کـه ژئوپولیتیـک آب یا هیدروپلیتیک موضوعیت یافته است. ازاین‌رو، می توان گفت "ژئوپولیتیک آب به مطالعـه‌ی نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت ها می پردازد؛ اعم از این‌کـه در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد".[۳]

---

[۱] صمدی، ((همگرایی اقتصادی کشورهای فارس زبان))، ۱۳۸۹. www.taghnibnews:ir/ dcg.html

[۲] محمدرضا حافظنیا و مهدی نیکبخت، «آب و تنش های اجتماعی– سیاسی» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۸۱، ص ۴۸ .

[۳] محمدرضا حافظنیا، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک (تهران: انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۸۲)، ص۱۰۲.

۲- بحـران آب در خـاورمیانه

خاورمیانه یکی از مناطق کم‌نظیر از نظر منابع طبیعی و خدادادی، راه‌هـای مواصـلاتی (آب و خشکی) و تمدن‌های کهن باستانی است، بـر اسـاس اقـوال و نوشـته هـای بسـیاری از کاشـفان سرزمین‌های جدید و جغرافیدانان جهان، اولین تمدن‌های بشری در کناره‌های دریاهـا و رودخانـه های بزرگ این منطقه شکل گرفته و رودهای بزرگ نیل، دجله و فرات، کارون، اروندرود و حوزه-ی خلیج فارس محل تجمع انسان‌ها و اجتماعات مهم بشری بوده است. بنـابراین، هرجـا کـه آب بود، حیات اجتماعات مهم و تمدن‌های کهن بشری در آن شکل گرفته و استمرار داشته است.

از سوی دیگر، کمتر منطقه ای را می توان مانند خاورمیانه یافت که در آن تنوع قومی، زبـانی و دینی تا این حد وجود داشته باشد به نحوی که پروفسور ماساهیرو موراکامی در کتاب *مـدیریت آب برای صلح در خاورمیانه* که در سال ۱۹۹۵ منتشر کرده مـی نویسـد: «در کـره زمـین، کمتـر مناطقی مثل خاورمیانه را می توان یافت که قومیت ها، ادیان، زبـان، اجتماعـات، فرهنـگ هـا و سیاست‌های مختلفی در آن وجود داشته باشد. درعین‌حال، در هیچ‌یک از مناطق کره زمـین ایـن چنین جنبه‌های متضاد در ترکیب کشـمکش‌هـا و پیچیـدگی‌هـا دیـده نمـی شـود. از میـان ایـن مجموعه‌ی درهم پیچیده، بحران آب به صورت بارزترین و غامض‌تـرین مسـئله خودنمـایی مـی کند».[۱]

چند ایده درباره‌ی بحران آب به عنوان یکی از منابع درگیری در خاورمیانه، معمولا روی چهار رودخانه این منطقه (دجله و فرات ، نیل و رود اردن) متمرکز است. اما در منطقه‌ی خشک آسـیای مرکزی نیز آب های مشترک می تواند به سرعت مجرای رویارویی کشورهای تازه‌اسـتقلال‌یافتـه این منطقه باشد و ابعاد بحران را در سرزمین های ماوراء مناطق شـمالی خلـیج فـارس گسـترش دهد. منطقه‌ی خلیج فارس نیز که بخش عمده‌ی ذخایر نفت جهان را در خود دارد، از این بحـران مستثنی نیست. اغلب کشورهای این منطقه دارای منابع آب‌هـای سـطحی و زیرزمینـی مشـترک بوده و بهره برداری از آن‌هـا همـواره منازعـات مختلفـی را در میانشـان بـه وجـود آورده اسـت. کشورهای نفت خیز عربی نظیر کویت، قطر عربستان و امارات متحده عربی جزو پنج کشوری اند،

---

[۱] عبدالرضا فرجی‌راد و حمیدرضا پاک‌نژاد متکی، «هیدروپلیتیک رودخانه مرزی ارس و تاثیر آن بر امنیت استان اردبیل» (پایان نامه دکتری، علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۹) ، ص ۸۴.

که در سطح دنیا کمترین منابع آب سرانه را در اختیار دارند.[۱] در این کشورها، تقریبا تمام آبخانه-های زیرزمینی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و منابع جدیدی برای رفع نیازهای آتی وجود ندارد.[۲]

کشورهایی دیگری نیز در خاورمیانه با کمیابی آب مواجه اند.هم‌اکنون کشورهای بحرین، اردن، الجزایر، مالی، تونس، یمن و فلسطین اشغالی در معرض کمبود آب هستند و انتظار می رود هفت کشور دیگر شامل ایران، مصر، لیبی، مراکش، عمان، سوریه و اتیوپی در سال ۲۰۲۵ به این فهرست اضافه شوند .[۳]

میزان جمعیت پیش‌بینی‌شده و نیاز آبی در کشورهای خاورمیانه

منطقه	جمعیت (میلیون نفر)			درصد جمعیت در مناطق شهری سال ۲۰۰۱	آب سالانه شیرین تجدید پذیر (کیلومتر مربع)	درصد آب شیرین مورد نیاز در بخش های		
	۱۹۷۰	۲۰۰۱	۲۰۲۵			خانگی	صنعتی	کشاورزی
خاورمیانه	۱۷۳/۴	۳۸۵/۶	۵۶۸	۵۹	۶۳۲/۳	۸	۵	۸۷
اردن	۱/۶	۵/۲	۷/۸	۷۹	۰/۹	۲۲	۳	۷۵
امارات	۰/۲	۳/۳	۴/۵	۸۴	۰/۲	۲۴	۹	۶۷
ایران	۲۸/۸	۶۶/۱	۸۸/۴	۶۴	۱۳۷/۵	۶	۲	۹۲
بحرین	۰/۲	۰/۷	۱	۸۸	۰/۱	۳۹	۴	۵۶
ترکیه	۳۵/۳	۶۶/۳	۸۵/۲	۶۶	۲۰۰/۷	۱۶	۱۱	۷۳
تونس	۵/۱	۹/۷	۱۲/۵	۶۲	۴/۱	۹	۳	۸۹
الجزایر	۱۳/۸	۳۱	۴۳/۲	۴۹	۱۴/۳	۲۵	۱۵	۶۰
سوریه	۶/۳	۱۷/۱	۲۷/۱	۵۰	۴۶/۱	۴	۲	۹۴
عراق	۹/۴	۲۳/۶	۴۰/۳	۶۸	۹۶/۴	۳	۵	۹۲
عربستان	۵/۷	۲۱/۱	۴۰/۹	۸۳	۲/۴	۹	۱	۹۰
قطر	۰/۱	۰/۶	۰/۸	۹۱	۰/۱	۲۳	۳	۷۴
کویت	۰/۷	۲/۳	۴/۲	۱۰۰	۰/۰۲	۳۷	۲	۶۰
لبنان	۲/۵	۴/۳	۵/۴	۸۸	۴/۶	۲۸	۴	۶۸
لیبی	۲	۵/۲	۸/۳	۸۶	۰/۶	۱۱	۲	۸۷
مراکش	۱۵/۳	۲۹/۲	۴۰/۵	۵۵۳۰	۳۰	۵	۳	۹۲
مصر	۳۵/۳	۶۹/۸	۹۶/۲	۴۳	۸۶/۸	۶	۸	۸۶

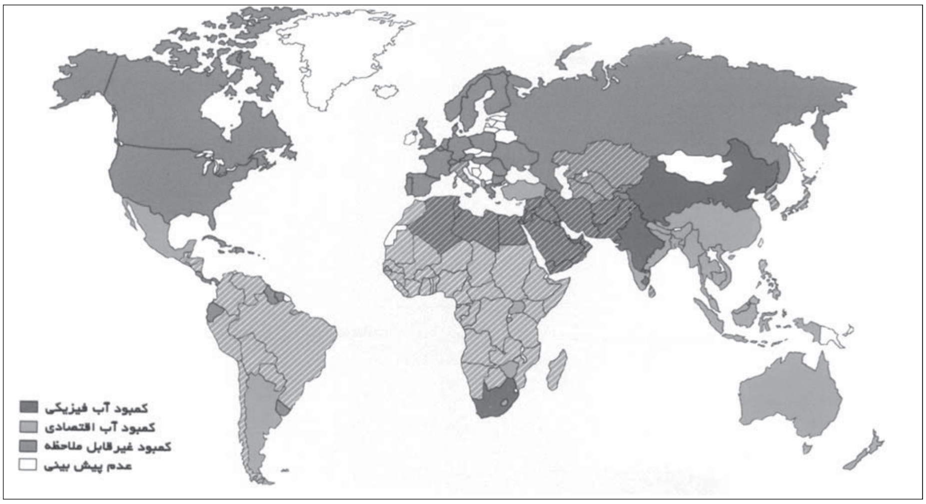
[۱] محمد علیزاده،«آب و جمعیت دو عامل تنش آفرین در ایران»، فصلنامه آب و توسعه، ش ۷ (۱۳۷۳) ، ص ۳۲.

[۲] همان، ص ۴۵.

[۳] محسن چیت‌ساز. «آب و امنیت بین المللی» پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار، ش۱ (۱۳۸۶) ص ۲۷.

کارشناسان سازمان ملل با اعلام این‌که سرانه‌ی آب در خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵ به نصف کاهش خواهد یافت ، نسبت به بروز کشمکش های سیاسی و درگیری های نظامی در اثر بروز بحران آب در این منطقه هشدار داده‌اند. به گزارش این سازمان، سرانه‌ی آب در این منطقه ۱۲۰۰ مترمکعب در سال است در حالی که سرانه‌ی جهانی آب نزدیک به ۷ هزار متر مکعب در سال می باشد . بر طبق پیش‌بینی ها، میزان تقاضا برای آب در خاورمیانه از ۱۷۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۰ به ۲۲۸ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید. به عبارت دیگر، سرانه آب در این منطقه تا سال ۲۰۲۵ به ۵۰۰ متر مکعب در سال کاهش خواهد یافت . [۱]

برآورد کمبودهای مختلف آب کشورهای دنیا در سال ۲۰۲۵



[۱] خدارحم بزی و دیگران، «بحران آب در خاورمیانه»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ۱۳۸۹، ص ۵۵.

ب) منــابع آب در خــراسان بزرگ

خراسان بزرگ در منطقه ای‌خشک و نیمه خشک واقع شده وکه بخشـی از آن را کـوه‌هـای پرازبرف پوشانیده است و عمده‌ی آب‌های این منطقه از آب شدن برف‌ها و یخ‌های کوهسـتان‌هـا تأمین‌می‌شود. دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان منابع آب فراوانـی کـه از سرچشـمه‌ی رودهـای منطقه است را در اختیار دارند . اما این دو کشور بـه ناچـار مـی بایسـت ایـن آب‌هـا را در اختیـار کشورهای پایین دست رودخانه یعنی قزاقستان ، ترکمنستان و ازبکستان قرار دهند.[۱]

این رودخانه های عمده این منطقه آموردریا ، سیر دریا، هریرود و کشف‌رودند.

۱- آموردریا (جیحون) : آموردریا به عنوان بزرگ‌ترین رودخانه‌ی آسیای مرکزی ، از رشـته کوه‌های هندوکش واقـع در کشـور تاجیکسـتان سرچشـمه مـی گیـرد و پـس از خـارج شـدن از تاجیکستان، مرز مشترک کشورهای افغانستان و ازبکستان را تشکیل می‌دهد این‌رودخانه ضـمن شکل دادن به قسمتی از مـرز ترکمنسـتان و افغانسـتان، وارد کشـور ترکمنسـتان مـی شـود. در ترکمنستان، کانال‌های متعددی برای امور کشاورزی و غیره از آموردریا جدا می شود که معروف-ترین آن هاکانال قره‌قوم است . آموردریا در مسیر خود پس از تشکیل قسمتی از مرز ترکمنسـتان با ازبکستان، وارد ازبکستان می شود و درنهایت به دریاچه آرال می ریزد.[۲]

طول این رود ۲۶۰۰ کیلومتر است که بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر آن در کشور ازبکسـتان جریـان دارد. میانگین دبی سالانه این رودخانه حدود ۷۸/۵ کیلومتر مکعب اسـت کـه از ۴۹/۵ تـا ۱۰۸/۴ کیلومتر مکعب در نوسان است.[۳]

۲- سیردریا (سیحون): سیردریا که پس از آموردریا پـرآب‌تـرین رودهـای منطقـه اسـت، از سلسله‌کوه‌های پامیر و تیان‌شان قرقیزستان سرچشمه می گیرد و از به هم پیوستن رود پـرتلاطم نارین با کارادریا ، سو تشکیل می شود . طول سیردریا ۲۹۲۲ کیلومتر اسـت.ایـن‌رودخانـه کـه در ادامه‌مسیرش وارد دره‌ی فرغانه ، منطقه نمنگان ازبکستان می گردد و پس از گذشـتن از قراقـوم

---

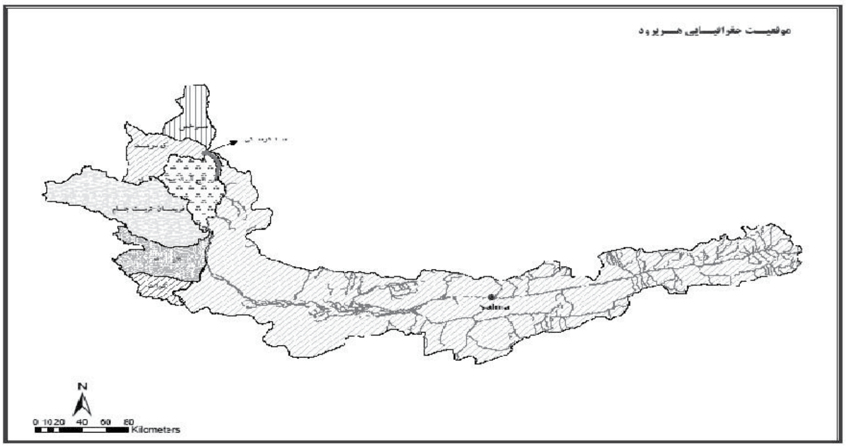
[۱] علیرضا کسایی ، « بحران آب در آسیای مرکزی و چرخش در سیاست خارجی» ، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ، سال ۱۳ ، ش ۴ ، ص ۲۱۶.

[۲] عطاالله عبدی و حسین مختاری هشی ،« هیدروپولیتیک تاجیکستان و فرصت‌های پیش‌روی ایران در آسیای مرکزی» .

[۳] سارا اوهارا ،« وضعیت آب در منطقه آسیای مرکزی ترجمه» عباس رسولی ، فصلنامه مطالعات آسـیای مرکـزی و قفقـاز ، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷.

در شمال استان سغد و شهر خجند تاجیکستان باردیگر وارد ازبکستان و قزاقستان مـی‌شـود و بـه دریاچه‌ی آرال می ریزد.[1] سیردریا از کنار شهرهای خجند و قیزیل‌اوردا و خوقند می‌گذرد.

۳- هریرود سومین رود مهم افغانستان است که به طول ۱۵۷ کیلومتر از حوالی دوغـارون تـا دهانه‌ی ذوالفقار، مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد. این رودخانه تقریبا آب نیمـی از شمال غرب کشور افغانستان شامل استان‌های هرات ، غور ، باغیس ، فراه ، بامیان و جوزجـان را به سمت غرب زه‌کشی کرده است. آب‌های شمال شرقی استان خراسان نیز به هریـرود اضـافه و با نام تجن وارد خاک ترکمنستان می‌شود. رودهایی که از ایران سرچشمه می‌گیرد و به هریـرود می ریزند عبارت‌اند از : باخرز یا شهرنو، جام‌رود ، میرجاوه و کشف‌رود .



منبع : سازمان آب منطقه ای خراسان

۴- کشف‌رود : این رودخانه که مهم‌ترین و پرآب‌ترین رود استان خراسان است، از کوه‌های مرتفع هزارمسجد سرچشمه می‌گیرد و پس از زه‌کشی کلیه آب‌های شمال شرقی شهرسـتان مشـهد، در جهت غرب به شرق امتداد می‌یابد و در محلی به نام قـره‌سـنگی بـه هریـرود مـی ریـزد. طـول

1 The Word Bank , “The Water Resources Sector Strategy “ 2003,P14.

رودخانه‌کشف رود بالغ بر ۳۰۰ کیلومتراستو آب‌های ارتفاعات شمالی و جنوبی دهلیز مشهد را به سوی رودخانه اترک زه‌کشی می نماید.[۱]

۵- شورلق: این رودخانه از ارتفاعات شرقی مزداوند سرچشمه می‌گیـرد و در منطقـه خـان‌گیـران وارد خاک ترکمنستان می گردد. آب کم و در تابستان‌ها اغلب خشک می شود.

۶- چهچهه: این رودخانه‌که‌از دامنه های شمالی ارتفاعات احمدآباد (شمال مشهد) سرچشمه می-گیرد، در منطقه‌ی چهچهه از مرز گذشته ، به رودخانه تجن می ریزد. آب آن کم‌استو تابستان‌هـا معمولا از مرز خارج نمی شود.

۷- قره‌تیکان این رودخانه از ارتفاعات شرقی کوه هزارمسجد سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن به رودخانه شورسو در آبادی قره‌تیکان از مرز می‌گذرد به رود تجن می‌ریزد. آب آن نسـبتا زیـاد و دائمی است.

۸- رودخانه کلات: از ارتفاعات شمالی هزارمسجد سرچشمه می‌گیرد و پـس از مشـروب سـاختن کلات نادری، از مرز می‌گذرد و به رودخانه تجن می ریزد.

۹- بارسو: این رودخانه از ارتفاعات شمالی هزار مسجد سرچشمه می‌گیرد و وارد خاک ترکمنستان می شود.

۱۰- زنگلانلو: ازارتفاعات هزار مسجد سرچشمه می‌گیرد و به ترکمنستان می ریزد.

۱۱- درون‌گر : از ارتفاعات شمال غربی کوه‌های هزارمسجد سرچشـمه مـی‌گیـرد و در منطقـه‌ی لطف‌آباد وارد ترکمنستان می شود . این رودخانه با رودخانه زنگلانلو در منطقه کاهو تلاقـی‌مـی-کند.[۲]

پ) وضعیت اقــلیمی و هیدورلــوژی شرق ایــران

کم‌آبی و خشکسالی از مسائل اصلی استان های خراسان (رضوی ، جنـوبی و شـمالی) اسـت. شرایط اقلیمی، خاطرات و آداب و رسوم ، آئین‌هـای بـاران‌خـواهی و دعاهـا و نیـایش هـا و آثـار مکتوب نشان می دهد که در ۵۰۰ سال گذشته، تقریبـا در هـر دوره‌ی نـه سـاله مرکـز و جنـوب خراسان را خشکسالی درنوردیده است. در گذشته، تقریبا خشکسالی با قطحـی، نـاامنی، گسـترش

---

[۱] عزت اله عزتی ،« جغرافیای استراتژیک ایران »، ج ۲، ۱۳۸۹ ، ص ۱۰۱.

[۲] همان ، ص ۱۲۵.

مبارزات داخلی بین ایلات و عشایر و حتی لشکرکشی های نسـبتا مهـم جهـت غـارت و چپـاول مناطق حاصلخیز تر همراه بود. حتی عده ای از محققان یکی از عمده‌ترین دلایل اتحـاد ایـلات مغول و پیروزی چنگیزخان را در خشکسالی های زمان او جستوجو می کنند .[۱] یکـی از ویژگـی های مشترک سه استان خراسان کمبود آب های سطحی است. ازاین‌رو، زندگی متکی بـه سـفره های آب زیرزمینی است. حیات و تمدن در خراسان، به‌ویژه خراسان‌مرکزی و جنوبی بسـتگی تـام به قنات هاو چاه‌های عمیق دارد. بدون قنات‌ها و چاه‌های عمیـق ۸۰٪ جمعیـت مرکـز و جنـوب خراسان تخلیه می شود. بیش از ۶۵ درصد فعالیت‌های اقتصادی شمال خراسان اعم از کشـاورزی و صنعتی و خدماتی متکی به چاه عمیق است. افت آبی‌سـفره هـای زیرزمینـی ویژگـی مشـترک تقریبا همه دشت‌های خراسان است. [۲]

با وجود کمبود منابع سطحی، یکی از سیاست های اصلی استان بـرای تـأمین آب مـورد نیـاز برای بخش‌های مختلف باید مهار آب‌های مرزی باشد که سالانه حجم بسیار بالایی از آب ایـن-منطقه که از داخل کشور سرچشمه می گیرد، به کشور همجوار منتقل مـی شـود. مهـار رودخانـه های مرزی در کنار سایر روش های مناسب برای حفظ و نگهداری آب جهت تأمین منـابع مـورد نیاز از اهمیت بالایی برخوردار است. هرچند باید تأکید کرد مهار آب های مرزی یکی از روش هاو راه‌حل ها برای جبران کمبود آب است و تلاش در جهت مهار این رودخانه ها مسلما در رابطـه‌ی ایران با کشورهای همسایه تأثیرگذاراست. به خصوص که منطقـه‌ی مجـاور در آن سـوی مـرز را بیابان تشکیل می دهد و عمده‌ی تولیدات مردم آن منطقه نیز کشاورزی است که وابستگی زیادی به آب دارد. هریرود، رودخانه‌ی اصلی تغذیه‌کننده کلانشهر این استان، نیز در بالادست درمعـرض تهدید مهار توسط افغانستان است. این مهار تأثیر زیادی در آب مورد نیاز مردم خواهد داشت.

ت) سد دوستـی

سد دوستی درنقطه‌ی صفر مرزی بین ایران و ترکمنستان قرار دارد. حجم مخزن این سد دوستی درنقطه‌ی صفر مرزی بین ایران و ترکمنستان قرار دارد. حجم مخزن این سـد۱/۲۵ میلیـارد متـر

---

[۱] رنه گروسه، «امپراتوری صحرانوردان»، ترجمه عبدالحسین میکده، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، چ۳، ص۸۴ .

[۲] محمدرضا حافظ نیا و مهدی نیکبخت، «آب و تنش‌های اجتماعی– سیاسی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۸۱، ص۲۰-۱۳

مکعب است. هدف از ساخت‌این سد تأمین آب اراضی دشت سرخس بـه میـزان ۲۵ هـزار هکتـار برای ایران و ۲۶ هزار هکتار توسعه‌ی آبیاری برای ترکمنستان و مهار سیلاب‌ها وهمچنن انتقـال سالانه ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب به مشهد عنوان شده است. این سد بـر روی رودخانـه هریـرود ساخت شده است . این رودخانه ازکوه‌ها مرکز افغانستان سرچشمه می گیرد و پس از عبوراز شـهر هرات، بخشی ازمرز ایران و افغانستان را و همچنین حدود ۱۱۲ کیلومتر از مرز ایران و ترکمنسـتان را تشکیل می دهد. دبی رودخانه به طور متوسط ۲/۱ میلیارد متر مکعب در سال است که طبق توافـق ، ۵۰ درصد آن متعلق به ایران است [1].

سد دوستی مهم‌ترین طرح مشترک دو کشور ایران و ترکمنستان است کـه بـرروی رودخانـه هریررود ساخت شده است . این سد گنجایش یک میلیـون و ۸۰۰هـزار مترمکعـب آب را خواهـد داشت . در صورت آبگیـری ، دریاچـه ای بـه وسـعت ۵۰ کیلومترمربـع را بـه‌وجـود خواهـد آورد. مهمترین نکته درباره‌ی سد دوستی آن است که این سد بـر روی رودخانـه ای سـاخته شـده کـه سرچشمه آن در هیچ کدام از دو کشور ایران و ترکمنستان قرار ندارد.

ث) وضعیت منـابع آب در تاجیکستان ، تـرکمنستان و ازبکستـان

از نظر دسترسی و بهره‌برداری از آب‌های شیرین، کشورهای یادشده را می تـوان بـه صـورت زیر دسته بندی کرد. کشورهایی که آب بسیار دارند مانند تاجیکستان (۶۴ کیلومتر مکعب برابر بـا ۵۵.۴ درصد آب‌های روان حوضه‌ی دریاچه آرال) و کشورهایی که آب کمی دارند مانند ازبکسـتان (۸.۸ کیلومترمکعب یا ۷.۶ درصد) و ترکمنستان که آب آن‌را کاملا از بیرون از مرز وارد می کنند.

در میان کشورهای آسیای مرکزی، تقریبا ۱۰۰ درصد آب قرقیزسـتان و تاجیکسـتان از منـابع داخلی تأمین می شود. این در حالی است که تمامی آب مصرفی ترکمنستان و ۵۰ درصـد از آب-های ازبکستان از خارج تأمین می شود مجموع تقریبی آب‌های جاری در تاجیکسـتان سـالانه ۶۴ میلیارد متر مکعب است که تقریبا بیشتر آن به حوضه‌ی آموردریا (۴۳ میلیارد مترمکعب) و بقیه به سیر دریا می ریزد. این مقدار در سال‌های پرباران حداکثر به ۹۰ میلیـاردمتر مکعـب افـزایش و در سال‌های کم بارندگی به حداقل ۳۹ میلیارد مترمکعب کاهش می یابد.

[1] مراد کاویانی، «مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان» ،فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۰.

تاجیکستان مرکز اصلی تولید و جریـان آب اسـت و سرچشــمه‌ی بـیش از ۵۵ درصـد از کـل جریان‌های اصلی شکل‌گرفته در منطقه از داخل خاک این کشور است و حدود ۲۵/۳ درصدازاین-منابع نیز در خاک قرقیزستان قرار دارد. درمجموع،۹۰ درصد از آب‌های حوضه آرال از کشـورهای تاجیکستان و قرقیزستان سرچشمه می‌گیرد که این حجم آب تقریبا شامل ۸۰ درصـد از آب-های قابل دسترس در آسیای مرکزی است. با وجود این‌که سرچشــمه‌ی بـیش از ۵۵/۴ درصـد از جریان‌های آبی شکل‌گرفته در آسـیای مرکـزی در خـاک تاجیکسـتان و ۲۵/۳ درصـد در خـاک قرقیزستان قرار دارد، ولی این کشورها تنها حدود ۱۵ درصد از ایـن آب را مصـرف کننـد. ازایـن-میزان، ازبکستان و ترکمنستان نیز ۷۱ درصدبهره‌برداری‌می‌کنند و نیز به مصرف قزاقسـتان مـی-رسد یا به دریاچه آرال می‌ریزد.[۱]

ازبکستان در میان این کشورها با توجه به میزان وابستگی به جریان‌های آب سطحی ورودی از خارج، آسیب‌پذیرتر است؛ چرا که دو رودخانه مهم سیردریا و آموردریـا در کشـور ازبکسـتان بـه عنوان شریان های مهم بخش کشاورزی و صنعت انـد. از حـدود ۹۹.۵ کیلومترمکعـب منـابع آب سالیانه این کشور، ۱۲.۲ کیلومتر مکعب در خاک این کشور و بقیـه یعنـی ۸۷.۳ کیلومترمکعـب از کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان تأمین می شود.[۲]

تاجیکستان با توجه به مشکلات اقتصادی خود نتوانسته است از ظرفیت سیاسـی و اقتصـادی منابع آب خود بهره‌برداری لازم را کند و از این گذشته، این‌کشور از نظر منابع انرژی و غذایی بـه مقدار زیادی وابسته به کشورهای دریافت‌کننـده‌ی آب ازآن‌اسـت . بـدیهی اسـت تاجیکسـتان در صورت استفاده از آب‌های خود، علاوه بر بهبـودی اوضـاع اقتصـادی اش مـی توانـد از موقعیـت فرادستی خود استفاده کند و در اختلافات سرزمینی و تحدید مرزهایش با ازبکستان از ایـن اهـرم فشار بهره‌ببرد. حتی میتواند مسئله‌ی‌فروش آب به کشورهای فرودست یا مبادله‌ی نفت و گـاز بـا آب را مطرح کند. روشن است که به‌وقوع پیوستن چنین مسائلی که دور از انتظار نمی باشند، مـی تواند به بحران‌هایی در منطقه آسیای مرکزی منجر شود.

---

[۱] پیام فروغی، « استفاده از آب‌های فرامرزی، امنیت بین‌المللی و مدیریت بحران در آسیای مرکزی و قفقاز»، ترجمه قاسم ملکـی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی، ش۴۳(۱۳۸۲)، ص۶۴.

[۲] ناصر کنعانی، «چشم‌اندازی بر ابعاد مختلف بحران آب در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعـات آسـیای مرکـزی و قفقـاز، ۱۳۸۶، ش۴۳.

ج) اهمیت راهبـردی رودخانه های آمـوردریا و سیـر دریا

دو رودخانه آموردریا (جیحون) و سیردریا (سیحون) منبع عمده‌ی آب برای کشورهای پـایین-دستی رودخانه، یعنی ازبکستان و جنوب قزاقستان اند. که پوشش صحرایی زیـادی دارنـد. طبـق تحقیقات مؤسسه همکاری و توسعه سوئیس، آموردریا از جمله رودهایی است کـه در طـول سـال اهمیت ویژه و حیاتی برای ساکنان پایین‌دست رودخانه دارد. این رود در ازبکستان، زمین های کشاورزی مناطق مرزی با ترکمنستان از جمله ، بخارا و منطقه قره قالپاقستان در شمال غرب این کشور را آبیاری می کند. در ترکمنستان، منبع عمده آب کانال قراقـوم کـه از جملـه بـزرگ‌تـرین شبکه‌های آبیاری در منطقه‌ی خشک آسیای مرکزی است، رودخانه آموردریا است. کانال قره قوم پیونددهنده‌ی سه رودخانه آموردریا، مرغاب و رود تجن است. از سوی دیگر، وجـود ایـن رودخانـه برای ترکمنستان باعث ایجاد مجتمع های وسیع کشاورزی شده و هرساله میلیون هـا تـن خـاک مرغوب توسط آن در سواحل این‌کشور رسوب می کند که بسیار مسـتعد امـور کشـاورزی اسـت.[۱] همچنین قسمت های بزرگی از این رودخانه قابل کشتیرانی است. در سـواحل آمودریـا شـیرخان بندر و بندر حیرتان قرار گرفته که کالاهای صادراتی یا وارداتی افغانستان به ممالک آسیای میانـه از طریق‌آن مبادله می شود. جیحون آبشارهای متعددی داردکه برای تولیـد نیروهـای هیـدرولیک قابل استفاده است.[۲]

چ) بهـره‌برداری از منابع آبی در تاجیکستان، تـرکمنستان، ازبکسـتان (قبـل و بعد از فروپاشی شوروی) بهـره‌برداری قبل از فـروپاشی

این منطقه از لحاظ منابع آب غنی است، امّـا بـیش از ۹۰ درصـد ایـن منـابع در کوهسـتان‌هـای قرقیزستان و تاجیکستان متمرکز شده است. دو رود عمده این منطقه، سیردریا وآمودریا، از این دو کشور سرچشمه می گیرند.

---

[۱] علیرضا کسایی، «بحران آب در آسیای مرکزی و چرخش در سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۳، ش۴، ص ۲۱۹.

[۲] همان، ص ۲۱۷.

بهره‌برداری از منابع آب در کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان تا قبل ازفروپاشـی شوروی از مسکو با دقت فراوانی کنترل می‌شد تا جمعیت ۵۰ میلیون نفری آن‌ها بدون مشکل و درگیری از آب کافی و عادلانه برخوردار باشند. مسکو هر تابستان به قرقیزستان و تاجیکسـتان در سرچشمه رودخانه ها دستور می داد که آب را باز کنند تا مناطق پایین‌دسـت رودخانـه ، مـزارع و باغ‌های بزرگ سیب و پنبه و شـالیزارهای بـرنج خـود را آبیـاری کننـد. ایـن دو کشـور آب را در زمستان ها در مناطق کوهستانی ذخیره می کردند و با زغال سنگ ، نفت و گاز همسایگان خـود که در مقابل آب ارزشمند تابستانی فرستاده می شد ، برق ارزان تولید می کردند.[1]

حکومت شوروی در سطح گسترده ای، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و حتی جغرافیایی ایـن منطقه را تغییر داد. تعداد زیادی از مردم ساکن کوهستان‌ها به اجبار به نواحی پایین‌دست‌تر منتقل شدند تا به کشت پنبه بپردازند و شمار زیادی از مردمان اسلاو نیز به عنوان مهاجر از دیگر بخـش های اتحاد جماهیر شوروی به این منطقه آورده شدند. دره‌ی فرغانه، حاصـلخیزترین و پرجمعیـت ترین ناحیه در این منطقه، بین قرقیزستان ازبکستان و تاجیکستان تقسیم شد. ایـن دره در دوره‌ی شوروی مرکز عمده تولید پنبه بود. در آن زمان مرزهای جمهوری‌ها در سیستم تولیـد حـائز تـأثیر نبود. برای مثال، پنبه قرقیزستان در ازبکستان پاک و از دانه جدا می شد و مسیر حمل و نقل بین این دو کشور از تاجیکستان می گذشت.

در دوره‌ی شوروی، مخـازن عظـیم آبـی در قرقیزسـتان و تاجیکسـتان بـا هـدف تـأمین آب کشتزارهای پنبه در تاجیکستان و ازبکستان ساخته شده‌بود. چند نیروگاه برق آبی نیز ساخته شـدو خطوط انتقال برق در این منطقه به یک شبکه واحد منطقه ای متصل بود. از طریق ایـن شـبکه، کشورهای بالادست رودها جریان برق را در طول زمستان به کشورهای پـایین‌دسـت صـادر مـی کردند و در طول تابستان، وقتی که آب به سوی مزارع پنبه هدایت می شد، ایـن رونـد بـرعکس می گردید و کشورهای بالادست واردکننده‌ی جریان برق از کشورهای پـایین‌دسـت مـی شـدند. برنامه‌ریزی و هماهنگی جریان آب برای مزارع پنبه طی تابستان، در مسکو و توسط وزیر آبیـاری صورت می گرفت.

---

[1] «جنگ آب در آسیای میانه »، مجله رویتر ، قزاقستان ، ۲۰۰۸.

بهره‌بــرداری بعد از استقــلال

هرچند در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، موضوع توزیع آب و منازعات مرزی منجر بـه رویـارویی هـای آشکاری شد؛ اما این درگیری ها با دخالت مسکو فرونشست. پس از فروپاشی شوروی، اسـتفاده از آب که در گذشته مسئله‌ای داخلی محسوب می شد، به موضوعی بین‌المللـی تبـدیل شـد. بـازی سختی بر سر منابع آب در گرفت که طی آن هر یک از جمهوری‌ها که در وضـعیت جدیـد دارای حکومت مستقلی شده بودند، بر حاکمیت بر منابع سرزمینی خود تأکید می کردند. در سـال ۱۹۹۱، همه کشورهای آسیای مرکزی استقلال خود را از اتحاد شوروی اعلام کردنـد. یکـی از اقـدامات اولیه جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته ایجاد کمیسیونی میان‌دولتی در سال ۱۹۹۲ برای همـاهنگی در خصوص مسئله آب بود.

ازبکستان به تنهایی بیش از نیمـی از منـابع آب منطقـه را مصـرف مـی کنـد. قرقیزسـتان و تاجیکستان بر آب مورد نیاز ازبکستان و قزاقستان کنترل دارند و به‌ویژه به این دلیل که از لحـاظ سایر منابع در تنگنا هستند، به این منابع به عنوان کالایی برای تجارت می نگرند. کنترل بر منابع آب برای آن‌ها مهم است، زیرا از این منابع بـرای تولیـد بـرق اسـتفاده مـی کننـد. هرچنـد ایـن اختلافات می تواند با مذاکره رفع شود، اما جالب توجه این‌که طـرف مسـلط در ایـن مـذاکرات در طول سال تغییر می کند. در تابستان، کشورهای پایین‌دست به منابع آب کشورهای بالادست نیـاز دارند، در حالی‌که در زمستان با توجه به وابستگی کشوهای بالادست به زغال سنگ، گاز، نفـت و مسیرهای حمل و نقل، آن‌ها طرف برتر مذاکره هستند. شمار زیادی از موافقت‌نامه‌هـای دوجانبـه برای حل و فصل مسئله آب به امضاء رسیده است. برای مثال، فقـط قرقیزسـتان و ازبکسـتان در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴، ۱۰ توافق نامه در این خصوص امضا و تعداد زیادی جلسه برگزار کرده‌اند. گاز ازبکستان و آب قرقیزستان مهم‌ترین حربه‌های امتیازگیری در این روابط است.

از سوی دیگر، قرقیزستان و تاجیکستان که به دلیل فقر قادر به تـأمین بهـای سـوخت بـرای تولید برق مصرفی خود در زمستان نیستند، ناچار زمستان ها هم از سد های خود برای تولید بـرق استفاده می کنند و با این کار موجب بروز سیل در همسایه های پایین‌دسـت عصـبانی خـود مـی شوند. ازبکستان نیز نگران است که افغانستان با وضع اقتصادی بهتر، از آب بیشتری از رودخانـه آموردریا در مرز خود استفاده کند. باوجود امضای تعداد زیادی تفاهم‌نامـه در زمینـه‌ی آب، نتـایج به‌دست‌آمده ناچیز بوده و بعضی از کشورها خصوصاً زمانی که نفوذشان بیشتر بوده، بارها تعهـدات

خود را نادیده گرفته اند. آن‌ها بر این باور بوده اند که می توانند بـه روش بهتـری منـافع خـود را تأمین کنند . از سویی، رهبران این کشورها زیر فشارهای داخلی بوده اند. بیشـتر ایـن فشـارها از سوی کشاورزان هم در کشورهای بالادست و هم پایین‌دست رودها بوده است. عوامل بین‌المللـی نیز در معادلات آب منطقه تأثیرگذار است. کشورهای بالادست متحدان روسیه هستند، در حالی‌که کشورهای پایین‌دست سیاست فاصله گرفتن از روسیه و کاهش نفوذ آن را تعقیب می کنند.[۱]

مجموع تقریبی آب‌های جاری در تاجیکستان سالانه ۶۴ میلیارد مترمکعـب اسـت کـه تقریبـا بیشتر آن به حوضه‌ی آموردریا (۴۳ میلیارد مترمکعب) و بقیه به سیردریا می ریزد. ایـن مقـدار در سال‌های پرباران حداکثر به۹۰ میلیارد مترمکعب افزایش و در سال‌های کم‌باران به حـداقل ۳۹ میلیارد مترمکعب کاهش می یابد.

ح) تجـانس‌های تاریخی، قـومی و زبانی میان ایـران و کشـورهای خـــراسان بزرگ

تعلقات فرهنگی و تمدنی کشورهای این منطقه با ایران امروزی در حوزه های قومی، زبـانی ، نژادی، تاریخی، دینی، فرهنگی و اجتماعی دارای ریشه های عمیقی است که صرفا در مطالعـات کتابخانه ای و پژوهش‌های اسنادی نمی توان بدان‌ها دست یافت.

حدود ۱۴ قرن، ظهور اسلام فرهنگ مردم ایران و ماوراءالنهر یکی بود و حکمرانانی که به آن منطقه اعزام می شدند یکی ایده را گسترش می دادنـد. بـا ظهـور اسـلام و ورود آن بـه ایـران و سقوط سلسله ساسانی (۶۵۲ م، ۲۲ ه) قسمت اعظم ایران و آسیای مرکزی در زمان چهـار خلیفـه مسلمان شدند. پس از خلفـای بنـی‌عبـاس ، حکومـت هـای ایرانـی چـون طاهریـان، صـفاریان، سامانیان، دیلمیان، غزنویان و سلجوقیان به صورت مستمر و فعال در آسـیای مرکـزی حمکرانـی کردند و مشاهیری چون رودکی، ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فردوسی و خواجـه نظـام الملـک نسبت به گسترش زبان و فرهنگ ایرانی– اسلامی و علم و دانش در منطقه‌ی ماوراءالنهر همـت گماشتند، به طوری که آوازه‌ی آنها به خاور دور و رم باستان و قسطنطنیه نیزگسترش یافت.[۲]

---

[۱] زین‌الدین کارایف، «دیپلماسی آب در آسیای مرکزی ترجمه محمد صالحی» ،خبرگزاری فارس، ۲۰۰۹.

[۲] بهرام، امیراحمدیان، «تعامل فرهنگی ایرانیان و ترکان در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسـیای مرکـزی و قفقـاز، ش۴۸، (۱۳۸۳)، ص ۵۵.

خ) ظـرفیت های وابستگی ایـران و کشورهای خـراسان بزرگ

اساساً کشورها به عنوان جزئی از نظام کلان جهان تلقی مـی شـوند کـه در ارتبـاط بـا سـایر کشورها و یا مناطق جغرافیایی، کنش متقابل دارند . اگر نظام بسته باشد، امکان داد و ستد انـرژی کاهش می‌یابد و راه برای سقوط دهند. فراهم می شود ، متقابلاً نظام های باز در حد بـالا تبـادل انرژی دارند و با قوت و توانمندی به حیات خود ادامه می دهند.[۱]

این مسئله که ملهم از نظریه‌ی سائل کوهن است به طور دقیقی با منطقه‌ی خراسـان بـزرگ به عنوان بخش مهمی از هارتلند آوراسیا و نظریه‌ی ژئوپولیتیکی میکند توجیه مـی گـردد. از دیـد کوهن به هر مقدار که سیستم بسته‌تر باشد و انرژی کمتری دریافـت کنـد، آنتروپـی آن افـزایش می‌یابد و توانایی‌اش کاشته‌می‌شود. دراین‌صورت خطر نابودی، سیستم را تهدید می کنـد. از ایـن دیدگاه، کشورهای این منطقه از آنتروپی بـالایی برخوردارنـد و مـی تواننـد یکـی از کـانون‌هـای بحران‌خیز جهان باشند، مگر این‌که در مسیر فرآیندهای توسعه و ارتباط قرار گیرند. البته در میان این کشورها ، ایران دارای آنتروپی پایین است و بیشـترین سـطح ارتبـاط و تعامـل را بـه‌ویـژه در حوزه‌ی حمل و نقل، ارتباطات، اقتصاد، تجارت، علم و فناوری اطلاعات و غیره می تواند داشـته باشد و به صورت سیستم باز عمل کند. زیرا هرچه درجه‌ی آنتروپی کمتر باشد، قدرت ملی کشور بیشتر است.

نیاز رو به رشد کشورهای خراسان بزرگ در آسیای مرکزی به کاهش آنتروپی و داشتن ارتباط با جهان خارج از ژئوپولیتیک بری از یک سو، و وابستگی این کشورها بـه قابلیـت‌هـای ایـران در دسترسی یه خارج از منطقه و آب‌های آزاد و همچنین فناوری‌های نوین، فرصت‌هـای مناسـبی را در رابطه با ترانزیت و حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی و دستیابی به بازارهـای رقـابتی، سـرمایه گذاری مشترک و صادرات خدمات فنی و مهندسی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم میآورد.[۲]

درباره نیاز مبرم کشورهای خراسان بزرگ به کاهش آنتروپی مـی تـوان بـه بازیـابی جـاده‌ی ابریشم‌نیز اشاره کرد. امروزه ارتباطات برای کشورهای منطقه یکی از شاخص‌های راهبردی بسیار مهم تلقی می گردد. از آن‌جا که در گذشته همه راه‌های سنتی با شمال توجیه می گردیـد، یـک عامل مهم و راهبردی، ایجاد تنوع در این کشورها برای دسترسی به جهان خارج از منطقه است.

---

[1] Cohen , Saul B “ Geopolitics in the new word “ 1997 , P15-47

[۲] همان ، ۲۶.

تولید روزافزون پنبه، محصولات باغی و خشکبار در ازبکستان و کم کردن واحدهای سیاسی مـانع در راه به جنوب توسط قزاقستان با تأکید بر کریدور شمال بـه جنـوب " KTI" جهـت دسترسـی آسان‌تر به جنوب (ایران) برای ترانزیـت کـالا و انـرژی و همچنـین انگیـزه‌هـای بسـیار بـالای تاجیکستان در یافتن راه به شمال افغانستان و به ایران و نیز اتصال ازبکستان از طریـق ترمَـز بـه این مسیر، همگی دلایلی است که علایق ژئوپولیتیکی ایران و زمینه‌های نقش‌آفرینی‌آن را روشن می سازد.[۱]

نتیجـه‌گیری

۱ – خراسان بزرگ در طول تـاریخ از اهمیـت سـوق‌الجیشـی و ژئوپـولیتیکی بسـیار مهمـی برخوردار بوده است. ساخت کشتی‌های بخار که منجر به جاب‌جایی جاده‌ی ابریشم از خشکی بـه دریا شد، همچنین تسلط روس‌ها بر آسیای مرکزی و قرارداد مرزی ۱۸۸۱ بین ایران و روسیه و از همه مهم‌تر انقلاب کمونیستی اکتبر ۱۹۱۷ و ایجاد کشور شوروی، باعث جدایی مردمـانی گردیـد که قرن‌ها مراودات اقتصادی و فرهنگی با همدگیر داشتند. هم‌اکنون منابع غنی آب یکی از مهم-ترین وزنه های ژئوپولیتیکی و استراتژیکی خراسان بزرگ است که می توان با مدیریت مؤثر آن‌ها با رویکرد اتحاد و ائتلاف در میان این کشورهای، محدودیت‌ها را به فرصت‌ها تبدیل کرد.

۲ – تأسیس کمیسون مشترک استفاده از ذخایر آب در میان کشورهای خراسـان بـزرگ مـی تواند عاملی برای افزایش همگرایی و ایجاد بستری مناسب در جهت تـدوین یـک نظـام امنیتـی گردد. در جهانی که امنیت از طریق همکاری و همگرایی به دست آید، همکاری های کشـورهای خراسان بزرگ در بسیاری از مسائل محیطی می تواند عامل پیشـرفت، اسـتحکام و توسـعه ایـن کشورها گردد و منجر به ایجاد یک موازنه‌ی قـدرت در منطقـه شـود. حـذف تنـاقض هـا ، رفـع اختلافات موجودو گسترش روابط دو و یا چندجانبه میان کشورهای این منطقـه بـا بـه کـارگیری سازوکار های مؤثر دیپلماسی از عوامل مـؤثر در دسـتیابی بـه همگرایـی در ایـن منطقـه اسـت. ضرورت های استراتژیک ایجاب می کند کشورهای این منطقه از طریـق ائـتلاف و همبسـتگی، عوامل همگرایی را در خود تقویت و نسبت به کاهش واگرایی اقدام کنند .

---

[۱] محمدرضا حافظ نیا و دیگران ، «علایق ژئوپولیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو»، فصلنامه ژئوپولیتیک، ۱۳۸۶، ص۸۲.

۴ – زمینه‌های همگرایی مناسبی در ابعاد اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی میان ایـران و دیگر کشورهای خراسان تـاریخی دیـده مـی شـود. پیشـنهاد خریـد آب از تاجیکسـتان از سـوی افغانستان و ایران یکی از این زمینه ها است. در صورت توافق نهایی، انتقال آب تاجیکسـتان بـه افغانستان و ایران از طریق خطوط لوله صورت می گیرد. این اقدام به هیچ‌وجه خللی به همکاری-های تاجیکستان و کشورهای همسایه اش‌واردنمی‌کند. اگر این اقدام عملی گردد، به احتمال زیـاد دیگر کشورهای منطقه بـا آن همـراه خواهنـد شـد.همکـاری در منطقـه و بیـرون از آن بایـد در چهارچوب سازش‌نامه‌های متقابل سودزا برای هر کشور و درعین‌حال درآمدزا برای همه‌ی طرفین قرارداد باشد. در این صورت، بدون اقدام زیادی عمـلا دیگـر کشـورهای منطقـه را در طـرح وارد می‌کنیم؛ زیرا همه عوامل شکل‌گیری این همگرایی اقتصادی از قبل مهیـا اسـت. ازآن‌جـایی‌کـه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در خراسان بزرگ بسیاری از اختلافات سایر کشـورهای منطقـه‌ی آسیای مرکزی مانند اختلافات قومی، مشکلات مرزبندی، استفاده از منابع و ذخایرو تفـاوت‌هـای فرهنگی‌وزبانی رادور می‌سازد و درعین‌حال مشترکات فرهنگـی قـوی آن‌هـا را بـه هـم نزدیـک می‌سازد، و در صورت شکل‌گیری این طرح، دیگر کشورهای منطقه با طرحی شکل یافته روبـه‌رو می شوند که به دور از اختلافات دیرینه است. طبیعی است آن‌هادر اتحـادی وارد شـوند کـه ایـن مراحل را پشت سر گذاشته و به مرحله بهره‌برداری رسیده است.

۵– هم‌اکنون اتحادیه های متعددی در مناطق مختلف دنیا بـر پایـه‌ی مختصـات جغرافیـایی خاص شکل گرفته است. تجربه این اتحادیه ها نشان داده که با تشکیل این اتحادیه هـا، عـلاوه بر همگرایی و هم‌اندیشی منطقه ای، بنیه‌ی اقتصادی، دفاعی و جایگاه سیاسی کشورها نیز بسیار تقویت شده است. در همین راستا هم‌اکنون خلا وجود اتحادیه کشورهای هم‌فرهنگ و هـم‌ریشـه آریایی‌تبار در میان کشورهای خراسان تاریخی بسیار احساس می‌شود؛ اتحادیه هایی که می‌توانند تقویت‌کننده‌ی ثبات و همکاری و صلح پایدار در این منطقه از جهان باشند.

۶ - مناطق کنونی کشورهای خراسان تاریخی دارای منابع غنی نفت، گاز وغیره‌اند. افغانستان و تاجیکستان نیز منابع آبی بسیاری دارند و درواقع آب مصرفی کشورهای دیگـر آسـیای میانـه از این دو کشور تأمین می‌شود. افغانستان نیزمنابع زیرزمینی بسیاری نیـز دارد. اگـر خراسـان بـزرگ تاریخی دارای نظام منطقه ای متحد،شود ابرقدرتی جدید در دنیا تشکیل خواهد شد کـه در برابـر روسیه و چین عمق استرتژیک پیدا می کند.

۷ – سازمانی به نام سازمان کشورهای فارسی‌زبان تأسیس شود تا این سازمان بتواند فعالیت‌های همه‌جانبه ای را در میان سه کشور به صورت منسجم اداره کند. همکاری در زمینه‌ی آب یکی از این فعالیت‌ها است. بااین‌حال، چنین سازمانی نیز باید توجیه اقتصادی مطلوبی برای سه کشور داشته باشد تا بتواند در زمینه‌ی همکاری‌ها که از علایق مشترک فرهنگی و تاریخی برخوردارند، مؤثر واقع شود. به لحاظ اقتصادی، ایران می تواند از فرصت‌های خوبی که در دو کشور افغانستان و تاجیکستان بر سر منابع آبی وجود دارد، استفاده کندو با سرمایه‌گذاری مناسب و معقول در طرح‌های عمرانی و صنعتی این دو کشور که شرایط نامطلوبی دارند، منافع قابل قبولی را کسب کند.

فهرست منابع

امیراحمدیان، بهرام. «تعامل فرهنگی ایرانیان و ترکان در آسیای مرکـزی»، فصـلنامه مطالعـات آسـیای مرکـزی و قفقـاز، ش ۴۸. ۱۳۸۳.

اوهارا ، سارا. «وضعیت آب در آسیای مرکزی »، ترجمه عباس رسولی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۸۶.

اللهوردیان طوسی، حسن. سفر به خراسان، ۱۳۷۱، موسسه چاپاک.

بزی، خدارحم و دیگران. «بحران آب در خاورمیانه»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ۱۳۸۹.

پاپلی یزدی، محمدحسین و فاطمه وثوقی. خراسان، ژئوپولیتیک و توسعه، مشهد: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.

چیت‌ساز، محسن .« آب و امنیت بین‌المللی »، پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار، ش ۱. ۱۳۸۶.

حافظ نیا، محمدرضا و مهدی ،نیکبخت. «آب و تنش های اجتماعی- سیاسی»، مطالعه موردی گناباد، فصلنامه تحقیقات، ۱۳۸۱. ج، ص ۴۱.

حافظ نیا ، محمدرضا ، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک ، تهران: انتشارات امیرکبیر،۱۳۸۲.

حافظ نیا محمدرضا و دیگران . علایق ژئوپولیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصتهای پیش رو، فصلنامه ژئوپولیتیک ،۱۳۸۶.

عزتی، عزت اله. جغرافیای استراتژیک ایران ، ج ۲، تهران:انتشارات سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۹.

علیزاده، محمد. «آب و جمعیت دو عامل تنش‌آفرین در ایران»، فصلنامه آب و توسعه، ش ۷، ۱۳۷۳.

عبدی، عطااله و حسین مختاری هشی. «هیدروپولیتیک تاجیکستان و فرصت‌های پیش روی ایران در آسیای مرکزی» .

فرجی راد، عبدالرضا و حمیدرضاپاک نژادمتکی. «هیدروپولیتیک رودخانه مرزی ارس و تأثیر آن بر امنیت استان اردبیل»، پایان‌نامـه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۹.

فروغی، پیام. «استفاده از آب‌های فرامرزی، امنیت بین‌المللی و مدیریت بحران در آسیای مرکزی و قفقـاز»، ترجمـه قاسـم ملکـی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی، ش ۴۳. ۱۳۸۶.

کسایی، علیرضا. «بحران آب در آسیای مرکزی و چرخش در سیاست خارجی»، فصـلنامه مطالعـات آسـیای مرکـزی و قفقـاز، س ۱۳.ش ۴.

کاویانی، مراد. «مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.

کنعانی، ناصر. «چشم‌اندازی بر ابعاد بحران در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۳ .۱۳۸۶.

کارایف، زین الدین. «دیپلماسی آب در آسیای مرکزی» ترجمه محمد صالحی، خبرگزاری فارس، ۲۰۰۹.

گروسه، رنه. امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

The word Bank, "The Water Resources Srctor Strategy "Feb 2003,P14

"Environment Milleonium Development Goal in Europe and Centeral Asia", disease Estimates, WB,June ,2003,p24

JOHAN Gely & ct,al "stengthning regional water mangement capacities"swiss agency for development cooperation, 2002

"water Resources in Europe and Central Asia" Pasim, 2008